



تفسیر علمی قرآن

در میان رد و قبول

◀ یعقوب جعفری ▶

اتفاقاً این مسأله در میان مفسران قدیمی نیز مطرح بوده و برخی از آنان، بعضی از آیات قرآنی را با علوم زمان خود تطبیق می‌دادند و این کار را در جهت قوی کردن ایمان مردم لازم می‌دانستند.

شاید نخستین کسانی که برخی از آیات قرآنی را در مورد آغاز آفرینش و اسرار وجود و پدیده‌های جهان با دانسته‌های زمان خود تطبیق دادند، یهودیان و مسیحیان تازه مسلمانی چون کعب‌الاحبار و وهب بن منبه و عبدالله بن سلام بودند که با استفاده از اطلاعات قبلی خود، برخی از آیات قرآنی را تفسیر کردند و چون مطالب آنها مربوط به احکام شرعی نبود، مفسران در صحت و سقم آنها تحقیق به عمل نیاوردند و سخنان آنها را در تفاسیر خود نقل کردند و به گفته ابن خلدون: مفسران در این باره تساهل کردند و کتابهای تفسیری خود را از این منقولات پر کردند؛ در حالی که اصل آنها از تورات بود^۱ و بدین‌گونه اسرائیلیات به کتابهای تفسیری راه یافت.

در قرون اولیه اسلامی که کتابهایی در طب و هیأت و نجوم و ریاضی و فلسفه به زبان عربی ترجمه شد و علوم مادی در میان مسلمانان رواج یافت، کسانی در

قرآن کریم با هدف تربیت و هدایت انسان نازل شده و در این زمینه هر آنچه لازم بوده، در این کتاب مقدس آمده و چیزی فروگذار نشده است. با نگاهی به آیات قرآنی درمی‌یابیم که قرآن کریم گاهی در تعقیب هدفهای تربیتی خود و به خصوص برای نشان دادن آثار قدرت الهی، مطالبی را درباره اسرار خلقت و پدیده‌های جهان آفرینش تذکر داده و درباره خلقت آسمانها و زمین و ستارگان و خورشید و ماه و آفرینش انسان و حیوان و گیاه و پیدایش دریاها و کوهها و بادها و نزول باران و مانند آنها سخن گفته و از اینها به عنوان آیات و نشانه‌های خدا یاد کرده و مردم را به تفکر در آنها فرا خوانده است.

در این گونه آیات که مربوط به پدیده‌های جهان آفرینش است، قرآن از چیزهایی خبر داده که پیشینیان آن را به نحوی توجیه می‌کردند و امروز با پیشرفتهای علمی که نصیب بشر شده، می‌توان آنگونه آیات را به نحو دیگری تفسیر کرد؛ ولی این پرسش مطرح است که آیا چنین کاری درست است و می‌توان آیات قرآنی را با نظریه‌های علمی تطبیق کرد؛ و یا اقتادن در این مسیر، اصالت قرآن را مخدوش می‌کند و باید از آن پرهیز کرد؟

۱. ابن خلدون، مقدمه، ص ۴۴، دارالعلم، بیروت، ۱۴۰۹



صدد برآمدند که برخی از آیات قرآنی را به عقیده خودشان تفسیر علمی کنند و آنها را با علوم آن زمان تطبیق بدهند و شاید بتوان گفت در رأس این گروه دانشمندان، معتزله بودند که با فلسفه و نجوم و علوم عقلی آشنایی داشتند. آنها در تفسیرهایی که از آیات قرآنی داشتند، از علوم عقلی کمک می‌گرفتند و سبک خاصی از تفسیر قرآن را ارایه می‌کردند.^۲

مهمتر اینکه ائمه معصومین (ع) در تفسیر آیات مربوط به اسرار آفرینش و پدیده‌های جهان هستی، مطالب ارزنده‌ای را بیان کرده‌اند که در کتابهای حدیثی و تفسیری نقل شده و میراثی گرانبهاست و البته باید در صحت استناد آنها به ائمه (ع) تحقیق و بررسی شود و روایات صحیح و معتبر از روایات ضعیف مشخص گردد.

در قرون بعدی نیز گروههایی از دانشمندان اسلامی به تفسیر علمی قرآن پرداختند و از جمله آنان می‌توان از جمعیت اخوان الصفا نام برد که در قرن چهارم زندگی می‌کردند و با هدف نزدیک کردن حکمت یونان و شریعت اسلامی، دست به تألیفات زدند و به تأویل و تفسیر برخی از آیات پرداختند و مثلاً آیه «یحمل عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية» (حاقه/۱۷) را به افلاک هشتگانه بطلمیوس تفسیر کردند.^۳

از جمله کسانی که از تفسیر علمی قرآن طرفداری کرده‌اند، ابو حامد غزالی (متوفی ۵۰۵) است. او در کتاب خود پس از نقل روایتی از ابن مسعود که علم اولین و آخرین را در قرآن دانسته است، می‌گوید: «همه علوم،

داخل در افعال و صفات خداوند است و قرآن، شرح ذات و افعال و صفات اوست و این علوم نهایت ندارد و در قرآن به کلیات آن اشاره شده است.»^۴

همو در کتاب دیگرش ضمن برشماری علمی مانند طب یا نجوم و هیأت و زیست‌شناسی و مانند آنها می‌گوید: «کلیات این علمی که برشمریم یا برنشمردیم، از قرآن بیرون نیست؛ چون همه آنها دریای واحدی از دریاهاست معرفت خداوند است و آن دریای افعال است و این دریایی است که ساحل ندارد.» آنگاه نمونه‌هایی از آیات قرآنی را که مربوط به طب یا نجوم یا تشریح الاعضا و علوم دیگر است، می‌آورد و سپس به خواننده توصیه می‌کند که «پس در قرآن بیندیش و غرائب آن را به دست آور تا مجموعه‌هایی از علوم اولین و آخرین را بیابی.»^۵

جلال‌الدین سیوطی نیز از طرفداران این روش تفسیری است. او در الاتقان بسابی را تحت عنوان «العلوم المستنبطة من القرآن» باز می‌کند و با استناد به آیات و روایات و سخنان بعضی از مفسران تأکید می‌کند که همه علوم، حتی علوم مادی، از قرآن قابل استنباط است و از ابوالفضل مرسی کلامی طولانی نقل می‌کند که او بسیاری از علوم مانند طب و هندسه و جبر و مقابله و اصول صنعت را از آیات قرآنی استنباط کرده است. مثلاً هندسه را از این آیه استنباط کرده که می‌فرماید: «انطلقوا الى ظل ذي شعب لا ظليل ولا يغني من اللهب» (مرسلات/۳۰ - ۳۱) که اشاره دارد بر اینکه مثلث سایه ندارد.

۲. درباره روش تفسیری معتزله و کتابهای آنان در تفسیر قرآن رجوع شود به: محمدحسین ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۳۷۷، مکتبه وهبه، بیروت، ۱۴۱۶ و فؤاد سزگین، تاریخ التراث العربی، ج ۴، ص ۶۰، افست کتابخانه مرعشی، قم، ۱۴۱۲ هـ.

۳. عمید زنجانی، مبانی و روشهای تفسیر قرآن، ص ۲۳۳، به نقل از رسائل اخوان الصفا.

۴. غزالی، احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۸۹، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

۵. غزالی، جواهرالقرآن، صص ۲۶ - ۲۸، دارالافتاء، بیروت ۱۴۰۱ هـ.



از نویسندگان و دانشمندان اسلامی تلاش کردند که برخی از آیات قرآنی و احادیث معصومین را با نظریات جدید علمی تطبیق بدهند و بگویند که در این متون مقدس، اشاراتی به این کشفیات شده است؛ ولی مردم و از جمله خود مسلمانان از درک آن ناتوان بودند و اینک با پیشرفت علم، مفهوم درست آن سخنان به دست می‌آید. شک نیست که این یک حرکت انفعالی بوده؛ ولی در عین حال باعث جلب و جذب روشنفکران به سوی اسلام و تقویت ایمان مردم می‌شد و البته در موارد بسیاری هم این تطبیق‌ها قابل توجه و قابل بررسی بود و می‌توانست یکی از وجوه اعجاز قرآن باشد.

این حرکت نخست در مصر آغاز شد و این بدان سبب بود که مصر زودتر از کشورهای اسلامی دیگر با تمدن و پیشرفتهای علمی غرب آشنا شد. دانشمندان مصری در مقالات و کتابهای خود به تفسیر علمی آیات قرآنی و تطبیق آنها با علوم روز پرداختند. از جمله نخستین کسانی که دست به این کار زدند، می‌توان از عبدالرحمن کواکبی نام برد که کتاب طبایع الاستبداد را در سال ۱۳۱۸ نوشت و نخست بدون ذکر نام مؤلف منتشر کرد و در چاپهای بعدی نام خود را هم در روی کتاب نوشت. او در این کتاب ضمن انتقاد از پیشینیان که فقط به فصاحت و بلاغت و الفاظ قرآن می‌پرداختند، بعضی از کشفیات علمی زمان خود را با آیات قرآنی تطبیق داده است.

همچنین در سال ۱۹۳۰ میلادی از سوی دانشگاه الازهر مجله‌ای به نام نور الاسلام منتشر می‌شد و در هر شماره راجع به صنعتهایی چون ترکیب فلزات و عکس‌برداری و ساختن دوربین‌های فلکی و ساختن هواپیما و زیردریایی با استناد به آیات قرآنی بحث می‌شد.

بعد از این، کتابهای بسیاری در این باره منتشر گردید که از همه آنها مهمتر و گسترده‌تر، تفسیر الجواهر اثر شیخ طنطاوی جوهری بود که در ۱۴ جلد منتشر شد و دایرةالمعارفی از علوم روز بود. او در این تفسیر به طور وسیعی آیات قرآنی را با علوم جدید تطبیق کرد و حتی فرضیه‌های علمی را که هنوز به اثبات نرسیده بود بر آیات قرآنی تحمیل کرد و بدین‌رو این تفسیر مورد انتقاد

سیوطی پس از نقل قولهایی در این زمینه اظهار می‌دارد: «نظر من این است که کتاب خدا مشتمل بر همه چیز است و از انواع علوم، مسأله‌ای و بابی نیست که ریشه اصلی باشد مگر اینکه در قرآن چیزی وجود دارد که به آن دلالت کند...»^۶

همچنین فخر رازی در تفسیر خود در مواردی که آیه به یکی از پدیده‌های خلقت اشاره یا تصریح می‌کند، آن را با علوم زمان خود تطبیق می‌دهد و مثلاً در تفسیر آیه ۳ از سوره رعد در شرح ﴿و جعل فیها رواسی﴾ از چگونگی پیدایش کوهها و در شرح ﴿و من کل الثمرات جعل فیها زوجین﴾ از چگونگی شکافته شدن بذر و پیدایش طبیعت‌های گوناگون در گیاهان و درختان مطابق با علوم زمان خود توضیحات مفصلی می‌دهد^۷ و در تفسیر ﴿و اوحی ربک الی النحل﴾ (نحل / ۶۸) به طور مشروح درباره هوشمندیهای زنبور عسل بحث می‌کند.^۸ از این قبیل بحث‌های علمی در تفسیر فخر رازی فراوان است.

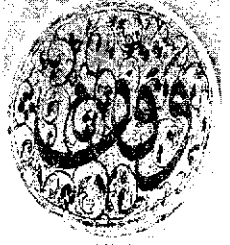
هر چند که تطبیق آیات قرآن با علوم عصر سابقه دیرینه دارد، ولی این کار در دو قرن اخیر شتاب فراوان یافته و این به سبب پیشرفتهای بزرگ علمی است که در این اواخر نصیب بشریت شده و بسیاری از نظریات علمی دگرگون گشته است و بشر به کمک تجربه و ابزار مهم و کارآمدی که ساخته، به اسرار زیادی از طبیعت پی برده و نیروهای نهفته در آن را به خدمت گرفته است.

به دنبال تحول عظیمی که در دانش بشری به وجود آمد و اکتشافات و اختراعات بسیاری پدیدار شد، برخی

۶. سیوطی، الاتفاق فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۳۳، المكتبة العصرية، بیروت، ۱۴۰۸.

۷. تفسیر فخر رازی، ج ۱۹، ص ۳ به بعد.

۸. همان، ص ۶۹ به بعد.



شدید بعضی از عالمان اسلامی قرار گرفت و حتی در بعضی از ممالک اسلامی، نسخه‌های آن توقیف گردید. همچنین کتاب هیئته و الاسلام نوشته سیدهبه‌الدین شهرستانی، گامی دیگر در این راه بود. این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۲۸ هجری در عراق چاپ شد و مورد توجه اوساط علمی قرار گرفت و به چندین زبان از جمله زبان فارسی ترجمه شد. در این کتاب، آیات مربوط به آسمانها و زمین و خورشید و ماه و ستارگان و افلاک، مطابق با هیأت جدید که از سوی دانشمندان غربی پی‌ریزی شده، تفسیر شد و همچنین روایات و احادیث مربوط به فلکیات نیز مورد توجه قرار گرفت. کتابهایی که یاد کردیم، در واقع فتح بابی در تفسیر علمی قرآن بود و در سالهای بعد نیز نویسندگان و دانشمندان، آثار بسیاری در این زمینه آفریدند و کتابهای فراوانی نوشته شد. حتی بعضی از نویسندگان غربی نیز که با زبان عربی و قرآن آشنایی داشتند، در این زمینه کار کردند که از جمله آنها می‌توان از موريس بوكای فرانسوی یاد کرد که کتاب عهدین، قرآن و علم را نوشت.^۹

یک فصل از این کتاب تحت عنوان «قرآن و دانش نو» نوشته شده که درباره آفرینش آسمانها و زمین و تولید نسل در انسان و حیوان و سلسله‌های نباتی و مسایلی از این قبیل بحث می‌کند و مطالب جالب و سودمندی دارد.

همچنین دانشمند غربی دیگری به نام «کنت گریک» کتابی در این زمینه نوشته که توسط آقای ذبیح‌الله منصوری تحت عنوان چگونه قرآن را شناختم به فارسی ترجمه شده و مطالب جالبی در تطبیق آیات قرآنی با علوم روز دارد. این نویسنده اظهار می‌دارد که تطبیق متون مقدس با علوم روز، در میان یهودیان و مسیحیان نیز سابقه دارد و نمونه‌هایی از برداشتهای علمی آنان از آیات تورات و انجیل را می‌آورد.^{۱۰}

علاوه بر کتابهایی که ذکر شد، کتابهای فراوانی در تفسیر علمی قرآن و تطبیق آیات قرآنی با علوم جدید تألیف شده که ما نام بعضی از آنها را که به دست ما رسیده، در پی می‌آوریم:

مظاهر کونیه فی معالم قرآنیة، تألیف دکتر محمد

محمود عبدالله، دارالرشید، بیروت، ۱۴۱۷
الاعجاز العلمی فی القرآن، تألیف دکتر السید الجمیلی، مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۹۶ م
اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، تألیف یدالله نیازمند، کانون انتشارات محمدی، تهران، ۱۳۲۶ ش
اسرار الکون فی القرآن، تألیف دکتر داود سلیمان السعدی، دارالحرف العربی بیروت، ۱۴۱۷ هـ
الاعجاز العلمی فی القرآن و السنة، تألیف محمد داود الجزایری، مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۹۳ م
العلوم فی القرآن، تألیف دکتر محمد جمیل الحبال، دارالنفائس، بیروت، ۱۴۱۸ م
القرآن یتجلی فی عصر العلم، تألیف نزیه القمیحا، دارالهادی، بیروت، ۱۹۹۷ م
خلقت انسان، تألیف دکتر یدالله سبحانی، شرکت انتشار، تهران، ۱۳۵۱ ش
الثوابت العلمیه فی القرآن، تألیف دکتر عدنان الشریف، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۳ م
الطبیعة فی القرآن الکریم، دکتر کاصد یاسر الزیدی، مکتبه الوطنیه، بغداد، ۱۹۸۰
رسالت قرآن در عصر فضا، سیدعبدالرضا حجازی، کانون انتشار، تهران، ۱۳۵۴
زمین و آسمان و ستارگان، دکتر محمد صادقی، کتابخانه مصطفوی، تهران، بی تا
قرآن و علوم طبیعت، دکتر مهدی گلشن، نشر مطهر، تهران، ۱۳۵۷
علم الحیوان بین العلم و القرآن، دکتر محمد محمود عبدالله، مؤسسه الایمان، بیروت، ۱۴۱۷
الکون و الارض و الانسان فی القرآن، عبدالحمید عرابی، دارالخیر، ۱۴۱۵
قرآن و طبیعت، دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، زکات علم، تهران، ۱۳۷۶
التفسیر العلمی للآیات الکونیه فی القرآن، حنفی احمد، دارالمعارف، قاهره، بی تا
العلوم الطبیه فی القرآن، یوسف مروّه، مکتبه الهلال، بیروت، ۱۳۷۸
اعجاز الثبات فی القرآن الکریم، دکتر نظمی خلیل،

۹. این کتاب یک بار به همین عنوان توسط دکتر حسن حبیبی و بار دیگر به نام مقایسه‌ای میان تورات و انجیل و قرآن و علم توسط مهندس ذبیح‌الله دبیر به فارسی ترجمه شده است.
۱۰. چگونه قرآن را شناختم، ص ۲۰۴.



آن روز عرب جاهلی است و قرآن بعضی از علوم آنها را که مربوط به فلکیات و نجوم و تاریخ و مانند آنها بوده، مورد اشاره قرار داده است و ما نباید از آن فراتر رویم و صحابه نیز همان علوم زمان خود را از قرآن می فهمیدند.

او پس از این بیان می گوید: «بسیاری از مردم در ادعای خود بر قرآن از حد گذشته اند و هر علمی را که متقدمان و متأخران یاد کرده اند، مانند علوم طبیعی و هندسه و ریاضیات و منطق و علم حروف و تمام آنچه در این فنون و مشابه آنها وجود دارد، به قرآن نسبت داده اند و این با توجه به آنچه گفتیم درست نیست.»^{۱۱}

شاطبی، استدلالهای طرفداران تفسیر علمی را نقل و سپس رد می کند. از جمله آیه شریفه ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل/۸۹) - «ما قرآن را بر تو نازل کردیم که در آن بیان همه چیز وجود دارد» - را که مورد استناد آن گروه است، چنین توجیه می کند که این آیه مربوط به احکام و تکالیف است.

هر چند که سخن شاطبی را در توجیه این آیه می توان پذیرفت، ولی این سخن او که صحابه در ظواهر قرآن جمود داشتند و فراتر از آن نمی رفتند، درست نیست و در آغاز همین بحث، از ابن مسعود نقل کردیم که گفته بود علوم اولین و آخرین در قرآن است یا ابن عباس در فهم برخی از آیات اجتهاد می کرد و حتی به شعر جاهلی استناد می نمود.

کسانی این روش را نوعی تفسیر به رأی و تحمیل به قرآن دانسته اند. از جمله آنها علامه طباطبایی است که ضمن رد این روش، درباره طرفداران آن گفته است: «اگر آنان در تحصیل معانی قرآن چیزی بر قرآن تحمیل نمی کنند، پس چگونه است که نظرات علمی را مسلم می دانند؛ به طوری که نمی توان از آن تجاوز کرد.»^{۱۲}

به اعتقاد ما، تفسیر به رأی نکوهیده عبارت از این است که کسی از پیش، اعتقادی داشته باشد و برای اثبات آن، آیه ای از قرآن را بر آن تطبیق بدهد و عقیده خود را بر قرآن تحمیل کند؛ همان گونه که طرفداران بعضی از مکتبهای کلامی چنین می کردند. در اینجا هم اگر کسی چنین کند، به ورطه تفسیر به رأی افتاده است؛ ولی اگر مطلب روشنی را از آیه به دست بیاورد و آن را با

مکتبه التون، قاهره، بی تا

الافاق العلمية فی القرآن، عبدالزهره ترکی، نجف، بی تا

نظرات فی الکتون و القرآن، دکتر عبدالهادی ناصر، المکتبه الاکادمیه، قاهره، ۱۹۹۵

الاشارات العلمیه فی القرآن الکریم، دکتر کارم السید غنیم، دارالفکر العربی، بیروت، ۱۹۹۴

القرآن و الطب، دکتر محمد وصفی، دار ابن حزم، بیروت، ۱۴۱۷

الاعجاز الطبی فی القرآن، دکتر السید الجمیلی، مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۹۰

الاعجاز الطبی فی القرآن، محمداود الجزایری، مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۹۳

مع الطب فی القرآن الکریم، دکتر عبدالحمید دیاب، مؤسسه علوم القرآن، بیروت، ۱۴۱۷

من الاعجاز العلمی فی القرآن حصن ابوالعینین، مکتبه العیبات، الرياض، ۱۴۱۶

القرآن و الطب الحدیث، دکتر صادق عبدالرضاعلی، دارالمورخ، بیروت، ۱۴۱۱

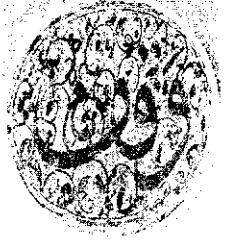
الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، محمد سامی محمدعلی دارالمحبه، دمشق، بی تا

الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، محمد سید ارناؤوط، مکتبه مدبولی، قاهره، بی تا.

با وجود آنکه بسیاری از مفسران و دانشمندان اسلامی، از قدیم و جدید، تفسیر علمی قرآن را مورد تأیید قرار داده و آن را باعث تقویت ایمان مردم و نوعی اعجاز برای قرآن دانسته اند، بعضی از علما نیز این روش را نپسندیده و آن را مناسب شأن قرآن ندیده اند.

گذشته از سلفیه و اهل حدیث که در ظاهر آیات قرآنی جمود دارند و هرگونه اظهارنظر درباره آن را نکوهش می کنند و آن را مخالف با شیوه صحابه می دانند، بعضی از دانشمندان اصولی از پیشینیان نیز با تفسیر علمی قرآن مخالفت کرده اند. از جمله آنها شاطبی اندلسی است که به تفصیل در این باره صحبت کرده و چنین اظهار داشته است که در قرآن مطالبی راجع به پدیده های هستی آمده ولی همه آنها ناظر به دانسته های

۱۱. شاطبی، الموافقات، ج ۲، ص ۷۹.
۱۲. المیزان، ج ۱، ص ۸.



علوم زمان خود تطبیق بدهد، نمی‌توان او را متهم به تفسیر به رأی کرد.

در قرآن کریم، آیات متعددی وجود دارد که مردم را به اندیشیدن و کاوش در پدیده‌های آفرینش دعوت و تشویق می‌کند و حتی پیش‌بینی می‌کند که بشر در آینده به اسرار بیشتری در جهان پی خواهد برد: «سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» (فصلت/۵۳): «به زودی نشانه‌های خود را در افقها و در جانهایشان به آنان نشان خواهیم داد تا اینکه به آنان روشن شود که آن حق است».

«و قل الحمد لله سیریکم آیاته فتعرفونها» (نحل/۹۳): «بگو سپاس خدای راست. به زودی نشانه‌های خود را به شما نشان خواهد داد و شما آنها را خواهید شناخت».

«قل انظروا ماذا فی السموات و الارض» (یونس/۱۰۱): «بگو بنگرید در آسمانها و در زمین چه چیزی وجود دارد».

این آیات و آیات مشابه آنها، راه را برای اندیشیدن در پدیده‌های هستی و کشف اسرار آن باز می‌کند و چون قرآن خود مشوق این کار است، بنابراین می‌توان آیاتی را که به روشنی دلالت بر یک کشف علمی دارد، مورد توجه قرار داد و آن را با علم روز تطبیق کرد.

خوشبختانه در کلام ائمه معصومین علیهم السلام اشاراتی به این معنا شده و حتی فهم درست برخی از آیات را به اندیشمندانی که در آخرالزمان می‌آیند، موکول کرده‌اند:

«عن علی بن الحسین (ع) قال: ان الله علم انه یكون فی آخرالزمان اقوام متعمقون فانزل الله ﴿قل هو الله احد﴾ والآیات من سورة الحديد الی قوله ﴿علیم بذات الصدور﴾»^{۱۳}: امام سجاد (ع) فرمود: همانا خداوند دانست که در آخرالزمان گروههایی پیدا می‌شوند که به طور عمیق می‌اندیشند، پس ﴿قل هو الله احد﴾ و آیاتی از سوره حدید را تا ﴿علیم بذات الصدور﴾ نازل کرد.

همچنین ائمه ما از برخی از آیات و از جمله از حروف مقطعه قرآن، پیش‌بینی برخی از حوادث را می‌کردند؛ مثلاً در روایتی، امام صادق (ع) سال انقراض

حکومت بنی‌امیه را از «المص» که در آغاز سوره اعراف است. پیش‌بینی کرده است.^{۱۴} امام باقر (ع) به ابولبید مخزومی فرمود:

«یا ابالبید ان فی حروف القرآن المقطعه لعلماء جمعا»^{۱۵}: ای ابولبید، همانا در حروف مقطعه قرآن، علم سرشاری وجود دارد.

همچنین امام حسن عسکری (ع) در پیش‌بینی زمان ظهور قائم (ع) از «طه» و «الم» و «طس» سخن می‌گوید.^{۱۶} بنابراین، تعمق در آیات قرآنی و تطبیق آنها با مسلمات علمی، با شرایط خاصی که خواهیم گفت، نه تنها مذموم و ناپسند نیست، بلکه در قرآن و حدیث مورد تشویق هم قرار گرفته و این ربطی به مسأله تفسیر به رأی ندارد و حتی می‌تواند یکی از وجوه اعجاز قرآن باشد و بر مراتب ایمانی و اعتقادی مردم بیفزاید.

در اینجا سخن چند تن از معاصران را که تفسیر علمی قرآن را جایز بلکه لازم دانسته‌اند، نقل می‌کنیم:

رافعی پس از بحث مفصلی درباره قرآن و علوم می‌گوید: «شاید کسی که با این علوم جدید آشنایی دارد، در قرآن تدبیر کند و به دقت آن را مورد بررسی قرار دهد و وسیله فهم قرآن را در اختیار داشته باشد، می‌تواند اشارات بسیاری را از قرآن کشف کند که به حقایق این علوم نظر دارد اگر چه به طور مشروح بیان نکرده است ولی بر آن دلالت دارد، هر چند که نام‌ها و اصطلاحات آن را نگفته است. آری علوم جدید به تفسیر برخی از معانی قرآن و کشف حقایق آن کمک می‌کند».^{۱۷}

مرحوم آیت‌الله العظمی خویی در مقدمه تفسیر البیان می‌گوید: «قرآن کریم در آیات متعددی از مسایل مربوط به سنتهای آفرینش و نوامیس طبیعت و افلاک و غیر آن سخن گفته است و اینها چیزهایی هستند که در آغاز اسلام جز از طریق وحی الهی راهی به سوی آنها نبود و هر چند که یونانی‌ها و جز آنها از کسانی که سابقه شناخت علوم را داشتند، در آن عصر با این قوانین آشنا بودند، ولی جزیره العرب از این علوم دور بوده و بعضی چیزهایی که قرآن از آن خبر داده، پس از پیشرفت علوم و کثرت اکتشافات روشن شده است و چنین خبرهایی در قرآن فراوان است».^{۱۸} ایشان پس از این سخن، نمونه‌هایی

۱۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۹۱.

۱۴. تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۳.

۱۵. همان.

۱۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۱.

۱۷. مصطفی رافعی، اعجاز القرآن، ص ۱۲۸، دارالکتب العربی، بیروت.

۱۸. آیت‌الله خویی، البیان، ص ۸۴.



فراوان است و بعضی از محققان این آیات را ۱۲۰۰ آیه دانسته‌اند که حدود ۲۰ درصد کل آیات قرآن است. آنها می‌گویند: «علاوه بر ۷۰ آیه که تشویق به علم می‌کند و دانشمندان را می‌ستاید، راجع به علوم طبی ۴۱۶ آیه و فیزیک ۱۳۸ آیه و فلکیات ۱۰۵ آیه و جغرافی ۹۸ و کشاورزی ۸۹ آیه و وسایل حمل و نقل ۲۸ آیه و اصل انسان و بقیه مخلوقات ۲۸ آیه و هندسه ۱۲ آیه و زبان حیوانات ۸ آیه وجود دارد و بیش از ۲۰ آیه هم با همه علوم تطبیق می‌کند.»^{۱۹} این نویسندگان در پایان کتاب خود، در جدولی، محل همه این آیات را به تفصیل تعیین کرده‌اند.

وجود چنین حجم گسترده‌ای از آیات قرآنی درباره پدیده‌های خلقت که از آیات فقهی قرآن بیشتر است، ما را به این حقیقت هدایت می‌کند که قرآن کریم از انسان می‌خواهد که در آفرینش بیندیشد و با طبیعت دمساز شود و به کشف و استخراج نیروهای نهفته در آن پردازد و ضمن اینکه از نظم و هماهنگی موجود در جهان باید بهترین درس توحید بیاموزد، لازم است که در تأمین معاش خود نیز از آن بهره جوید؛ چون اسلام، هم ناظر به دنیا و هم ناظر به آخرت است و خیر دنیا و آخرت را برای بشر به ارمغان آورده است.

استفاده از این سرمایه علمی عظیمی که در قرآن نهفته است، در صورتی امکان‌پذیر است که مسلمانان با تدبیر در کتاب تکوین خدا یعنی طبیعت، به فهم درست کتاب تشریحی او یعنی قرآن همت گمارند و در جهت کشف و استخراج حقایق موجود در هر دو کتاب بکوشند. تفسیر علمی قرآن اگر با شرایطی که گفتیم، همراه باشد، ما را در رسیدن به این هدف یاری خواهد کرد.

از آیات قرآنی را که با علوم جدید در عصر حاضر تطبیق می‌کند، آورده است.

مؤلف کتاب اصول التفسیر می‌گوید: «ما حق نداریم آن دسته از آیات قرآنی را که مربوط به جهان هستی است و پیش از چهارده قرن به درستی و راستی نازل شده و امروز بر زبان ما جاری است و عقول اندیشمندان را به حیرت آورده، رها کنیم و آنها را با علومی که غیر مسلمانان بر آن دست یافته‌اند شرح نکنیم و توضیح ندهیم. باید چنین کنیم تا حجت قوی‌تر و برهان محکم‌تر گردد.»^{۱۹}

بدیهی است که شرح آیات علمی قرآن و تطبیق آن با علوم روز باید با حزم و احتیاط کامل صورت گیرد و چنین نباشد که یافته‌های علمی را به قرآن تحمیل کنیم یا فرضیه‌هایی را که هنوز ثابت نشده، با آیات قرآنی تطبیق بدهیم که این کار لغزشی بزرگ و خطایی نابخشودنی است و متأسفانه برخی از کسانی که در این وادی گام برداشته‌اند، دچار این خطا شده‌اند.

تفسیر آیات قرآنی با علوم روز، دو شرط اساسی دارد:

نخست اینکه آن مطلب علمی کاملاً اثبات شده و قطعی باشد. کسی حق ندارد فرضیه‌هایی را که هنوز به اثبات نرسیده و قطعی نشده است، با آیات قرآنی تطبیق بدهد.

دوم اینکه آیه مورد نظر به روشنی و با تمام شفافیت به آن مطلب علمی دلالت کند و چنین نباشد که آیه را با توجیه و تأویل و احتمال و تقریب با آن مطلب علمی تطبیق بدهیم.

آن دسته از آیات قرآنی که درباره پدیده‌های جهان آفرینش نازل شده و در آنها اشاراتی علمی وجود دارد،

۱۹. خالد عبدالرحمن، اصول التفسیر و قواعد، ص ۲۱۸، دارالکتاب، بیروت.

۲۰. دکتر محمد جمیل و دکتر مقداد مرعی، العلوم فی القرآن، ص ۱۳، دارالنفائس، بیروت، ۱۴۱۸.

